



## تبیین و بررسی فرش پادراز بلوچی

محمد امین حاجی زاده<sup>۱</sup>

### چکیده:

فرش پادراز، گونه ای از فرش تصویری است که با طرح و نقش متفاوت در مناطق شرقی ایران به این عنوان خوانده می شود. فرش های پادراز زیر مجموعه ای از قالی بلوچی است که توسط طایفه ی بهلولی در نوار شرقی ایران بافته می شود. این طرح دارای آدمک هایی با بدن های کشیده و بلندی است که ساخته و پرداخته رویا و خیال بافندگان این طرح هاست. عناصر و موتیف های موجود در متن و همین طور حاشیه ی آن متأثر از قالی های بلوچی است. این طرح در سایر مناطق ایران و همین طور در افغانستان بافته می شود. اما همه ی فرش هایی که با این طرح بافته می شوند دارای خصوصیات کلی مشترکی هستند ولی متناسب با منطقه ی بافت جزئیات آن همچون رنگ بندی، عناصر پرکننده متن، شلوغی و کم کار بودن فرش تغییر یافته و طبق سلیقه ی بافندگان آن مناطق بافته شده است. این نقشه که عمدتاً به صورت ذهنی بافته می شود، دارای نقوش هندسی است با موتیف ها و عناصر انسانی و حیوانی که به صورت انتزاعی بافته می شود. این فرش در نواحی شرقی به صورت قالیچه و بر روی دارهای افقی با مکانیسم تخت، تار و پرز پشمی و پود پنبه ای بافته می شود. تحقیق پیش رو به بررسی طرح و نقش فرش پادراز می پردازد و عناصر اصلی و جزئی این طرح را در متن و حاشیه ی آن بررسی می کند. بافت این فرش در برخی مناطق شرقی ایران انجام می شود و طرح هرکدام را در مناطق دارای ویژگی های مختص خود می باشند. در این مقاله علاوه بر شرح ویژگی های اصلی طرح، به تفاوت ها و شباهت های این طرح در مناطق مختلف و تاثیر آن از نقوش فرش بلوچ پرداخته شده است.

کلید واژه: فرش پادراز، فرش بلوچ، فرش تصویری

### مقدمه:

ازبک ها همیشه بخش های شمال شرقی ایران را مورد تهدید قرار می دادند. نادرشاه باتوجه به اینکه کردها و بلوچ ها افرادی سلحشور بودند عده ای از آنها را در آنجا اسکان داد و چند سال بعد به علت قحطی و خشکسالی بلوچ های سیستان نیز به این منطقه مهاجرت کردند. در نتیجه برخلاف تصور خیلی ها که خیال می کنند که قالیچه های بلوچی در سیستان بافته می شود آنچه امروز به عنوان قالیچه های بلوچی مورد بررسی است توسط عشایر بلوچ خراسان به ویژه در اطراف تربت حیدریه کاشمر سرخس تربت جام بافته می شود و تنها معدودی در نواحی جنوبی قدری در سیستان

۱. مری. دانشگاه بیرجند. Ma.hajizadeh@birjand.ac.ir



بافته می شود بلوچ هایی که در داخل سیستان هستند سنت قالی بافی را ندارند تنها بلوچ هایی که خارج از ناحیه ی جغرافیایی سیستان زندگی می کنند دارای سنت قالی بافی اند.

نمونه فرش های بلوچ شمال ایران این سوال را برایمان به وجود می آورد که چرا این بلوچ ها نمونه های اصلی به کار برده شده ی بلوچ های جنوبی را استفاده نمی کنند و طرح های ترکمن را مورد استفاده قرار نمی دهند؟

در میان آن طرح ها به خصوص در فرش های قدیمی تر نمادهای قبیله ای قابل توجهی وجود دارد و پاسخ سوال ممکن است در این حقیقت وجود داشته باشد که این بلوچ ها با قبایل ترکمن تماس های زیادی داشتند و تدبیر قبیله ای آن ها این بوده که می بایست هرچه سریع تر طراحی و بافت فرش را که در انحصار ترکمن ها قرار داشت را زودتر یاد بگیرند

در واقع بهلولی ها یک خانواده ی بیگانه در بین اقوام بلوچ است ولی به این دلیل که فرش بافی توسط این قوم زیرمجموعه ای از سبک قالی خراسان محسوب می شود مهم به شمار می آید.

آنها در شمال شرق خراسان بین تایباد و قاین و همچنین در افغانستان باید یافت شوند. در حدود ۱۹۵۰ آن ها هنوز به صورت صحرائشین زندگی می کردند و شتر پرورش می دادند.

آن ها در اصل ترک های ایرانی هستند که از غرب به این منطقه مهاجرت کردند و به وسیله ی شاه عباس در خراسان اسکان یافتند. آن ها در فرش های پرزدار خود عوامل اصلی الگوهای بلوچی را تغییر دادند آن قدر زیاد که علامت خاصه بلوچی در تولیدات آن ها محو شده است.

بحث:

قالی بلوچ خراسان در واقع سبک خاصی از قالی خراسان است که توسط ۷ قوم سیستانی، کردها، تیموری ها، ترکمن ها و سایر ترک ها بلوچ ها عرب ها و بهلولی ها بافته می شود. قالیچه های پادراز در منطقه ی خراسان توسط بهلولی ها بافته می شود. بهلولی ها که تیره ای از قشقایی ها هستند از شیراز به نوار مرزی شرق کشور برای جلوگیری از افغان ها به این منطقه کوچانده شده اند. این طایفه شیعه مذهبند و به همین دلیل از تصاویر انسانی و حیوانی به آسانی در بافت هایشان استفاده می کنند و تعصب خاصی به تصویرسازی ندارند. در منطقه خراسان تنها گروهی که در بافته هایشان حیوانات رئال دیده می شود بهلولی ها هستند. و منشا آن همان کوچ اجباری آن ها از شیراز و قشقایی بودن آن هاست و به دلیل قرار گرفته آن ها در شهر بیرجند رنگ بندی آن ها روشن تر شده است. سه قوم ترکمن کرد و بلوچ تاثیر زیادی از نظر فرش بافی برهم گذاشته اند که تاثیر نقوش ترکمن بر نقوش بلوچی زیاد بوده است.

به همین دلیل هیچ قطعیتی بر اینکه بگوییم این نقوش خاصه بلوچ هاست و یا قوم دیگری وجود ندارد. این فرش توسط بختیاری ها هم بافته می شود و همین طور در همدان و تهران نیز بافته شده است بافت عمده این نقش توسط بلوچ ها در نوار مرزی شرق کشور است. بلوچ ها رنگ های طبیعی را مدت ها قبل از بافندگان ترکمن به کار می بردند. تا حدود سال ۱۹۵۰ پرز قالیچه های بلوچی نو بدون هیچ گونه رنگ شیمیایی رنگرزی می گردید. از مواد مختلفی در مناطق مختلف بلوچ برای رنگرزی استفاده می شود. که در نواحی نیشابور و شمال مشهد، جلگه ی تربت



جام، جلگه ی باخرز، مه ولات و قاینات رنگ های قرمز آجری قرمز آتشی و قرمز تیره با استفاده از روناس های با عمر متفاوت رنگرزی می شود.

بررسی طرح و نقش فرش پادراز در بین اقوام بلوچ خراسان:

نمونه هایی از طرح های سبک هندسی را اغلب در فرش های ایلپاتی ترکمن، بلوچی، لری، افشاری و برخی از فرش های مراکز بافندگی شهری مانند قم، جوشقان، اردبیل و مناطق غربی ایران دیده می شود طرح های قالی را برحسب آن که زادگاه آن در میان عشایر و ایلات بوده یا آن که توسط طراحان نقش قالی مراکز بافندگی شهری تهیه شده باشد به دو گروه بزرگ طرح های ایلپاتی و طرح های شهری تقسیم می کنند. طرح های هندسی عشایری از قدیمی ترین و اصیل ترین طرح های قالی بافی ایران هستند و بیشتر بدون نقشه بوده و ذهنی بافند. طبیعت، حیوانات و اشیای مورد علاقه و استفاده ی افراد ایل و روستا نشینان در این طرح ها تجسم چشم گیری دارند که بیشتر به صورت هندسی و با خطوط و سطوح طرح می شوند، طرح های هندسی می توانند نقوش انتزاعی و غیرانتزاعی را به ساده ترین شکل ممکن تصویر کنند. نقوش در فرش طرح پادراز نیز فقط به صورت هندسی و با خطوط شکسته طرح شده اند، فرش های پادراز در مناطق مختلفی از ایران بافته می شود که بافت عمده آن در نوار شرقی ایران توسط بلوچ های خراسان بافته می شود. که عمده ی بافت آن در شهرستان های فردوس، زیرکوه، خواف باخرز و تربت جام می باشد. طرح و نقش این فرش در منطقه ی زیرکوه و خواف و باخرز تقریباً مشابه است البته با کمی تفاوت در موتیف ها و رنگ بندی بافته شده است.

فرش هایی که در روستاهایی از زیرکوه بافته می شود دارای نقوش کاملاً مشابهی می باشند و در رنگ بندی کمی متفاوتند. متن این فرش دارای سه آدمک که در وسط متن قرار گرفته اند و تقریباً بیش از یک دوم متن فرش را تشکیل می دهد. یک پنجم از فرم کلی بدن را پاها تشکیل می دهد و سر نیز همین نسبت با بدن را دارد.



تصویر شماره (۱). فرش پادرازی قاین. منبع: نگارنده

فرم سرها مربع شکل می باشد. اگر آدمک های درون متن را از چپ به راست شماره گذاری کنیم آدمک ۱ و ۳ بلند قدرتر از آدمک ۲ است و صورت سه رخ و کامل به صورت مربع است که بالای سر آنها یک حالت فرورفته و برجسته بافته شده است. تقریباً بدون گردن است که سر به شانه ها متصل است. اما آدمک ۲ دارای صورت ۵ ضلعی و تمام رخ و دارای گردن است. اما فرم چشم ها و ابروهای همگی کاملاً مشابه است دارای چشمان مربع شکل که امتداد بینی به ابرو وصل شده است. در تصویر آدمک ۱ و ۳ دست های آنها با هم زاویه ی قائمه تشکیل می دهد و آدمک ۲ دست ها کاملاً به صورت عمودی و در هر ۳ آن ها دست ها دارای ۳ انگشت است و به صورت کلی آدمک ۲ کوتاه قدرتر از سایر آن ها می باشد. پاها و کفش ها در هر سه کاملاً مشابه است فقط در رنگ بندی و تزیین باهم متفاوتند. رنگ لباس های ۱ و ۳ سورمه ای ولی آدمک ۲ بدنه و شلوار لاکه رنگ است تزیین بدنه کاملاً مشابه تزیینات زمینه است شلوارها را با یک مربع که یک نقطه در وسط آن است تزیین کرده اند. کفش ها کمی پاشنه دار و نوک تیز که به رنگ خاکی است بافته شده است. در بالا و پایین آدمک ها در متن یک اسب و سوار و یک آدمکی که فرم بدن آن رئال تر بافته شده دیده می شود. اسب در حال دویدن و شیهه کشیدن است. دم این اسب حالت شانه مانند دارد و سوارکار دارای صورت ۵ ضلعی که یک کلاه ساده بر سر دارد.



تصویر شماره (۲). فرش پادرازی قاین. منبع: نگارنده

چشم، ابرو، بینی مشابه سه آدمک قبل است این سوارکار نیم تنه ی آن به اسب چسبیده است سرشانه ها دارای شیب زیادی است و لباس آن با مربع های کنار هم قرار گرفته که نقطه در وسط آن است تزئین شده است و دست چپ این سوارکار بر روی بدنه ی اسب قرار گرفته است و چهره اش تمام رخ که بر روی اسب نشسته است. اما آدمکی که فرم بدن آن رئال تر ترسیم شده است یک ابزاری شبیه ساز را با دست در بالای سر گرفته است چهره ها و بدن به صورت تمام رخ است اجزای بدن کاملا به صورت تفکیک شده از هم بافته شده است. در این آدمک ابروها و بینی به هم وصل نیستند اما فرم چشم ها و لب ها به همان صورت است و باز این آدمک هم کلاه ساده ای بر سر دارد. گردن مشخص است و سرشانه ها با یک خط اریب نشان داده شده و دست ها از بدن جداست و تقریبا به نسبت بدن بلند و کشیده است و تعداد انگشت ها همان سه تا است. کمر کمی باریک تر است. و بالا تنه از پایین تنه را جدا کرده است. رنگ لباس خاکی رنگ و کفش به همان شیوه ی توضیح داده شده می باشد و رنگ آن لاکه رنگ است.

زمینه توسط عناصر انتزاعی از حیوانات و اشکال هندسی پر شده است و تقریبا تلاش شده که زمینه توسط این عناصر پوشانده شود. رنگ زمینه خاکی رنگ و این موتیف ها با رنگ بندی های مختلفی که کاملا رنگ و لعاب بافته های

بلوچی را نشان می دهد بافته شده است. این موتیف ها شامل گل های چند شاخه ی هندسی پروانه، بز، آهو گربه سان و فرم های ساده ای از پرند ها می باشد عناصر کوچکتر و ریزتری نیز در بین این عناصر آمده است. حالت مانند گل های دایره ای کوچک که پره های آن با دورنگ متفاوت بافته شده است لوزی های کوچک و عناصر پرکننده ای مانند خطوط افقی .

این فرش دارای سه حاشیه دو حاشیه ی کوچک و یک حاشیه ی بزرگ است. رنگ حاشیه ی بزرگ هم رنگ حاشیه ی متن است. موتیف هایی که در این حاشیه آمده است کاملا هندسی بوده و در کل حاشیه تکرار شده است. فرم های مربع و مستطیل مانند که کنگره هایی دور تادور آن آمده است و نیز لوزی های کوچک که در سراسر حاشیه تکرار شده اند. کناره های این حاشیه دو نوار لاکه رنگی نیز آمده است. بالا و پایین این قالیچه گلیم بافی شده است که تزئین ساده Sمانندی آمده است.



تصویر شماره (۳). فرش پادرازی زابل. منبع: نگارنده

فرشی که در منطقه تربت جام بافته می شود نقش مشابه منطقه زیرکوه است البته از نظر قرار گیری موتیف ها در زمینه نه به شلوغی زیرکوه و نه به خلوتی زمینه ی فرش فردوس است. عناصر بسیار ساده تر بافته شده است و اینکه آدمک هایی که در متن هستند سرها به خوبی بر روی بدنه قرار نگرفته اند و کمی ناتوانی بافنده در بافت این فرش را نشان می دهد. زمینه ی این فرش نخودی رنگ و حاشیه ی بزرگ به رنگ زمینه و حاشیه ی کوچک سورمه ای با بافت Sمانند.



فرش پادراز در منطقه زابل بسیار پرکار و زیباست. متن این فرش در محور طولی به سه بخش افقی تقسیم شده است. بخش بالایی یک اسب و سوار است که سوارکار به صورت نیم تنه نشان داده شده است و در کنار اسب و سوارکار یک شخصی به صورت ایستاده بافته شده است. در قسمت وسط و منفرد در کنار هم ایستاده و هم قدند و از نظر چهره باهم مشابه اند. همه دارای چشمان مربع شکل ابروهای به هم پیوسته و متصل به بینی هستند که بینی به دهان نیز وصل شده است.

بدن ها کاملاً به صورت مستطیل و شانه ها با خط مورب به سمت پایین نشان داده شده است کادرها در داخل کادر مستطیل شکل بدن قرار دارد و به صورت آویزان است. بالاتراز کمر زیر سینه یک حالت پایون شکل دارد و بالا تنه از یقه ۴دکمه دارد. تزیینات لباس ها باهم مشابه اند فقط رنگ آن ها متفاوت است. تزیینات پایین تنه لباس ها راه راه است و آستین ها دارای تزییناتی به صورت یک مربع مرکزی و چهار مربع در اطراف آن است. بافنده در بافت فرم نشستن مهارت کافی را نداشته است.

فرم سر این آدمک یک ۵ضلعی است که موهای زردرنگی دارد. و یک تاج بر سر دارد لباس آن با بقیه متفاوت است دامنی به پادارد و تزیینات لباس آن شامل تزیینات هندسی که تقریباً مسابه همان افراد دیگر است با این تفاوت که حیواناتی را در لباس آورده است و چشم ها و ابروها و بینی به همان شیوه ی قبل است. پاهای دو آدمک دیگری که در طرفین آن قرار گرفته اند چهره ها سه رخ به سمت فرد نشسته بافته شده است. در این دو نفر سر مستطیل شکل و یک سربند ظریف بر روی سر دارد. و حالت نگهبانانی که از ملکه ی خود محافظت می کنند را به خود گرفته اند. رنگ زمینه عاجی رنگ است که قسمت های خالی زمینه با موتیف های مختلف پر شده تاحدی که جای خالی ای در زمینه باقی نماند این عناصر شامل درختچه ها و بوته ها که بیشترین عنصری است که زمینه را پر کرده است و سایر موتیف ها شامل شتر و بز است و عناصر کوچکتر هندسی که پرکننده متن است بافته شده ات .

حاشیه ی این فرش سه تاست. یک حاشیه ی بزرگ و دو حاشیه ی کوچک که در اطرافش به صورت نوارهای رنگی ای بافته شده است موتیف های حاشیه را اشکال هندسی مانند مستطیل های دندانان ای و مثلثی شکل تشکیل داده که رنگشان بیشتر گرم است و این موتیف ها به صورت مکرر در حاشیه تکرار شده است.

در منطقه فردوس داستان خسرو و شیرین زیاد بافته می شود و در اینجا موضوع خسرو در شکار گراز و مجنون و آهو بافته شده است. در این فرش تصاویر بسیار رئال است نسبت به فرش های بافته شده از نقشه ی پادراز در سایر مناطق ایران گردن کاملاً واضح و چانه در صورت مشخص است کلاههایی بر سردارند و کمر به خوبی نشان داده شده است و حتی شکستگی دست ها از آرنج و سرشانه به خوبی بافته شده است پایین تنه ی لباس ها حالت دامنی دارد و تزیینات خاصی ندارد لباس ها دکمه دار و در بعضی جاها با خط های عمودی چین لباس ها را نشان داده است در پایین کادر مجنون نشسته که موهایش در دو طرف سر بافته شده است و سایر آن ها در اطراف مجنون ایستاده و کمان به دست دارند و مشغول شکار آهو هستند و در بالای سر آن ها یک سوارکاری که سوار بر اسب است و خنجری به دست دارد گراز شکار می کند. رنگ زمینه عاجی رنگ است و بوته هایی در متن آمده است و عناصر دیگری برای

پرکردن متن نیست. سه حاشیه دارد و حاشیه ی کوچک لاکی رنگ است و و حالت چنگ ماندی که در آن بافته شده به رنگ سورمه ایست.



تصویر شماره (۴). فرش پادرازی فردوس. منبع: نگارنده

### نتیجه گیری:

فرش های پادراز زیرمجموعه ای از سبک قالی خراسان محسوب می شود که توسط طایفه ی بهلولی در نوار شرقی ایران بافته می شود. این طرح بسیار جالب و زیباست، آدمک ها دارای بدن های کشیده و بلندی هستند که ساخته و پرداخته ذهن یافندگان این طرح ها است. عناصر و موتیف های موجود در متن و همین طور حاشیه ی آن بسیار تاثیر پذیرفته از قالی های بلوچی است. با اینکه بهلولی ها یک خانواده ی بیگانه در بین بلوچ ها محسوب می شود اما تاثیر فراوانی از بلوچ ها گرفته اند. این نقش در سایر مناطق ایران و همین طور در افغانستان بافته می شود. اما همه ی فرش هایی که با این طرح بافته می شوند دارای خصوصیات کلی مشترکی هستند ولی متناسب با منطقه ی بافت جزئیات آن همچون رنگ بندی عناصر پرکننده متن شلوغی و کم کار بودن فرش تغییر یافته و طبق سلیقه ی یافندگان آن مناطق بافته شده است.





### منابع:

- ۱- ادواردز، سیسیل، ۱۹۵۲ قالی ایران چاپ ۱۳۳۸ ترجمه مهین دخت صبا. انتشارات فرهنگسرا. تهران
- ۲- اشبرنر، اریک. ۱۳۷۴ قالی وقالیچه های شهری و روستایی ایران. ترجمه مهشید تولایی و محمد رضا نصیری. انتشارات فرهنگسرا. تهران
- ۳- حصوری، علی. ۱۳۸۲، مبانی طراحی سنتی ایران، انتشارات فرهنگان.
- ۴- حصوری، علی. ۱۳۷۵. فرش سیستان. انتشارات فرهنگان.
- ۵- دیانت ، محمد و محمد اصغری ، شناسایی بته خراسان، پایان نامه کارشناسی نساجی -مرکزآموزش عالی امام خمینی . تهران
- ۶- ژوله، تورج. ۱۳۸۲. پژوهشی در فرش ایران. انتشارات یساولی